یک عکس، یک خاطره

جمال عبدالناصر و نیکیتا خروشچف-۱۹٦٤

۴۹ سال پیش در چنین روزی، برابر پانزدهم ژانویه ۱۹۷۱ میلادی، سد اَسوان، ششمین سد بزرگ جهان (به لحاظ ظرفیت آبگیری) را دولت مصر افتتاح کرد. آبگیری اسوان یک‌سال بعد از مرگ جمال عبدالناصر کلید خورد و به همین دلیل عرصه پشت سد «دریاچه ناصر» نام گرفت. این سد باکمک اتحاد جماهیر شوروی ساخته شد و نیکیتا خروشچف رهبر این کشور، اسوان را هشتمین شگفتی جهان لقب داد. [جمال عبدالناصر و نیکیتا خروشچف در مراسم منحرف کردن رود نیل برای آغاز عملیات ساخت سد اسوان-۱۹۶۴]

دژاوو

وزیرمختار و مصیبت لجاجت

شهروند| اوایل دهه ۷۰ خورشیدی مجموعه‌ای تلویزیونی از شبکه یک سیما به نمایش درآمد با عنوان «وزیرمختار» که در آن به وقایع بعد از انعقاد عهدنامه ترکمانچای و ماجرای حضور الکساندر گریبایدوف، سفیر تام‌الاختیار امپراتوری روسیه در ایران پرداخته شده بود. تا پیش از پخش این سریال تلویزیونی عمده اطلاعات ما از وجود شخصی به نام گریبایدوف به درس تاریخ در مدرسه بازمی‌گشت و اینکه او برای اخذ غرامت جنگی و اجرای مفاد عهدنامه ننگین ترکمانچای به ایران آمد، اما به دلیل بی‌احترامی و زیرسوال بردن آداب و رسوم ایرانیان هدف انتقام ملت قرار گرفت و طی یورش مردم خشمگین به سفارت روسیه در تهران جان خود را از دست داد. اما شاید بتوان ادعا کرد در سریال «وزیرمختار» نیز که کارگردانی آن را سعید نیک‌پور برعهده داشت و نقش گریبایدوف را هم ایرج راد ایفا می‌کرد، چیزی بیش از اطلاعات موجود در درس تاریخ مدرسه به مخاطب ارایه نشد. گریبایدوف در «وزیرمختار» همچون گریبایدوف در مدرسه، دشمن ایران و فردی لجوج تصویر شده بود که جز عمل به مطامع استعماری روسیه تزاری هدف دیگری برای خود متصور نبود و دست آخر نیز با اهانت مصرانه به شعائر مذهبی مردم، با دست خویش گور خود را کنده و مردم او را به سزای عملش رساندند.

گسیل به یک ماموریت تبعیدوار

نه کتاب‌های درس تاریخ مدرسه اشتباه می‌کردند و نه سعید نیک‌پور در «وزیرمختار» گریبایدوفی دروغین را تحویل مخاطبان سیما در دهه ۷۰ خورشیدی داده بود. الکساندر سرگییویچ گریبایدوف به‌عنوان نگارنده عهدنامه ترکمانچای قطعا هر آنچه در توان داشت برای تحت فشار گذاشتن دولت ایران به کار برد و حتی نقل است در نخستین برخوردها با ولیعهد وقت ایران یعنی عباس میرزا رفتاری چنان توهین‌آمیز داشت که دولت ایران ادامه مذاکرات را به حذف او از هیأت نمایندگی امپراتوری روسیه منوط کرد. اما چیزی که در همان کتاب‌های تاریخی و سریال تلویزیونی اثری از آن دیده نمی‌شد، سابقه سیاسی و فرهنگی نماینده تام‌الاختیار روس‌ها در ایران بود و اینکه او نه در قامت فدایی تزار که درواقع به‌عنوان عنصری نامطلوب در آن ایام به ایران تبعید شده بود. در حقیقت ارتباط گریبایدوف با شورشیانی که در دسامبر ۱۸۲۵ میلادی قصد براندازی حکومت تزاری را داشتند، باعث شده بود حکومت وقت اعتماد چندانی به او نداشته باشد و با اینکه گریبایدوف در دادگاه از اتهام خیانت و حکم اعدام رهید، اما باز این دلیل نمی‌شد تا دولت تزاری او را یک خودی قلمداد کند. از همین رو، دور بودن این عنصر نامطلوب از مرکز مزیتی برای حکومت محسوب می‌شد و از طرفی حس وطن‌پرستی افراطی و روحیه لجوجش در عمل به وظیفه، او را به بهترین گزینه برای رودررو قرار گرفتن با دولت وقت ایران تبدیل می‌کرد.

شعله‌ورکردن آتش خشم مردم

الکساندر گریبایدوف که ۲۲۵ سال پیش در چنین روزی برابر پانزدهم ژانویه ۱۷۹۵ میلادی در مسکو به دنیا آمد، درست همان اندازه که برای ما ایرانی‌ها به‌عنوان یک سیاستمدار مطرح است، در نزد روس‌ها نویسنده‌ای توانا به شمار می‌رود. مشهورترین نمایشنامه او با عنوان «مصیبت عقل» که نگاهی انتقادی به سیاست و جامعه روسیه اوایل قرن ۱۹ میلادی دارد، جزو برترین متن‌های تاریخ نمایش این کشور قلمداد می‌شود. اما همین هنرمند فرهیخته و آگاه به زمان، هنگام اجرای یکی از بندهای عهدنامه ترکمانچای یعنی استرداد اسرا، نتوانست اهمیت موضوع فوق برای ایرانی‌ها را تشخیص دهد و بر بازگرداندن زنان گرجی به روسیه آن هم درحالی که اکثرشان تغییر دین داده و به نکاح مردان ایرانی درآمده بودند، اصرار کرد. پافشاری گریبایدوف به‌علاوه نقش مخرب یکی از خواجگان دربار پادشاه ایران به نام میرزا یعقوب ارمنی که فرصت را برای انتقام گرفتن از ارباب خود مناسب دیده و اطلاعات مربوط به زنان گرجی و ارمنی ساکن در خانه رجال ایرانی را به جناب وزیرمختار راپورت داده بود، اوضاع پایتخت را به هم ریخت. جالب آنکه جرقه لازم برای به آتش کشیدن این انبار باروت را نیز شخص گریبایدوف با زندانی کردن دو زن گرجی در سفارت روسیه فراهم آورد و مردم کوچه و بازار که دیگر طاقت این میزان هتک حرمت را نداشتند، سی‌ام ژانویه ۱۸۳۲ میلادی با اشاره میرزا مسیح مجتهد راهی سفارت روسیه شده، وزیرمختار و ۳۶ همراه او را به قتل رساندند.

منبع: «گریبایدوف شاعر سیاست‌پیشه» نشر نگاه معاصر

تاریخ‌نگار

یک‌صد و چهارده سال پیش در چنین روزی، برابر پانزدهم ژانویه ۱۹۰٦ میلادی، **ارسطو سقراط اوناسیس**، میلیاردر شهیر یونانی در شهر ازمیر (قلمرو عثمانی) به دنیا آمد. اوناسیس با راه‌اندازی شرکت خدمات مسافرت هوایی و کشتیرانی پله‌های ترقی را پیمود و به یکی از مشهورترین ثروتمندان تاریخ تبدیل شد. او سال ۱۹٦۸ میلادی، پنج سال بعد از ترور جان اف. کندی با بیوه او ژاکلین ازدواج کرد.

افتتاح **پنتاگون**، مقر وزارت دفاع آمریکا و پرظرفیت‌ترین ساختمان اداری جهان (۱۹٤۳ میلادی)

هفت سال پیش در چنین روزی، برابر پانزدهم ژانویه ۲۰۱۳ میلادی، **ناگیسا اوشیما**، کارگردان مطرح سینمای ژاپن و یکی از درخشان‌ترین استعدادهای سینمای این کشور در دهه‌های ٦۰ و ۷۰ میلادی در شهر فوجی درگذشت. اوشیما در آثار خود بیش از هر چیز به موضوعات مربوط به جوانان، سیاست و تباهی جهان امروز توجه کرده است. «گورستان»، «شهر عشق و امید» و «امپراتوری احساس» از فیلم‌های شاخص او به شمار می‌آیند.

معما

رویای لوترکینگ

«[...] ۱۰۰ سال پیش، یک شهروند بزرگ آمریکایی که ما امروز زیر سایه نماد این او ایستاده‌ایم، اعلامیه آزادی بردگان را امضا کرد. این فرمان پربار، همچون فانوس دریایی، امیدی در دل میلیون‌ها برده سیاهپوست افکند که در آتش بی‌امان بیدادمی سوختند. سپیده مسرت بخشی بود که پایان شب بلند بردگی‌شان را نوید می‌داد. امروز، ۱۰۰ سال از آن روز می‌گذرد، اما هنوز سیاهپوستان آزاد نیستند. [...] رویای من این است که روزی فرزندان برده‌های پیشین و فرزندان برده‌داران پیشین بر فراز تپه‌های سرخ جورجیا کنار هم سر میز برادری خواهند نشست. رویای من این است که سرانجام روزی ایالتی مانند می سی سی پی، ایالتی که در آتش بیدادگری می‌سوزد، در آتش تعدی می‌سوزد، به واحه آزادی و عدالت بدل خواهد شد. رویای من این است که چهار فرزند کوچکم روزی در کشوری زندگی خواهند کرد که آنها را نه به سبب رنگ پوست، که با درونمایه شخصیت‌شان داوری خواهند کرد. من امروز رویایی دارم [...]!» متنی که خواندید، بخشی از سخنرانی ۱۷ دقیقه‌ای دکتر مارتین لوترکینگ، رهبر سیاهپوست جنبش حقوق مدنی ایالات متحده آمریکا بود که ۲۸ آگوست ۱۹۶۳ میلادی در برابر بنای یادبود آبراهام لینکلن در شهر واشنگتن دی سی و در جمع ۲۵۰ هزار نفر از طرفداران تساوی حقوق سیاهان انجام شد. این سخنرانی که در سال ۲۰۰۴ میلادی توسط کتابخانه کنگره آمریکا در ردیف آثار برجسته فرهنگی و تاریخی ماندگار ایالات متحده قرار گرفت، به‌دلیل استفاده از ترجیع‌بند «رویایی دارم»، با همین نام در جهان شناخته می‌شود. نویسنده و خطیب این سخنرانی یعنی مارتین لوترکینگ جونیور ۹۱ سال پیش در چنین روزی، برابر پانزدهم ژانویه ۱۹۲۹ میلادی در شهر آتلانتای ایالت جورجیا به دنیا آمد. آنچه لوترکینگ را طی یک دهه به رهبر جنبش حقوق مدنی آمریکایی‌های آفریقایی‌تبار تبدیل کرد، نژادپرستی سیستماتیک و به نوعی تحت حمایت دولت در اکثر قریب به اتفاق ایالت‌های آمریکا بود که در جزیی‌ترین موارد مثل جداسازی محل نشستن سفیدپوستان و سیاهپوستان در اتوبوس‌های شهری نیز به مورد اجرا گذاشته می‌شد. برای انفجار این حجم عظیم از خشم و حس تحقیر که در جامعه رنگین‌پوستان آمریکا انباشته شده بود، تنها یک جرقه کافی بود که زحمت آن را «رزا پارکس»، زن سیاهپوست اهل آلاباما با نشستن روی صندلی مخصوص سفیدپوستان در یک اتوبوس شهری کشید. دستگیر شدن رزا پارکس توسط پلیس در یکم دسامبر ۱۹۵۵ میلادی، خشم سیاهپوستان سراسر آمریکا را برانگیخت و مارتین لوترکینگ با به دست گرفتن پرچم این اعتراض‌ها در اندک مدتی به عنوان لیدر جنبش حقوق مدنی آمریکایی‌های آفریقایی‌تبار در خط مقدم مبارزه با نژادپرست‌ها قرار گرفت. فعالیت بی‌وقفه لوترکینگ برای تصویب قانون حقوق مدنی در دهه ۶۰ میلادی، عنوان مردِ سال مجله تایم در سال ۱۹۶۳ و جایزه صلح نوبل سال ۱۹۶۴ میلادی را برایش به ارمغان آورد. دکتر مارتین لوترکینگ چهار آوریل ۱۹۶۸ توسط یک نژادپرست به نام جیمز ارل ری در شهر ممفیس ایالت تنسی به قتل رسید.

جدول

شماره ۱۸۸۸

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱															
۲						■								■	
۳			■					■					■		
۴				■					■			■			
۵		■			■						■				
۶	■						■			■					
۷						■			■					■	
۸			■					■					■		
۹		■					■			■					
۱۰						■			■						■
۱۱					■						■			■	
۱۲				■			■					■			
۱۳			■					■					■		
۱۴		■								■					
۱۵															

افقی ۱- کنایه از زورآزمایی و مبارزه ۲- سراینده صدای پای آب- آگاهی و بیداری ۳- حرف فاصله- خواهر دارا- غده‌ای در چشم- آواز دسته جمعی ۴- از امراض ریوی- ماندنی- ضمیر مخاطب- موشواره رایانه ۵- دشنام- سخن بیهوده و درهم- فیلتر ۶- نقشه محل تصادف- زوبین- شیطان ۷- پیشرفت و ترقی- به غیر از- فریاد و نعره ۸- چاشنی ساندویچ- نمدمال- وسیله تزریق دارو- برگ برنده ۹- خدای خورشید مصریان- دویدن- عنصر شماره هشتادویک ۱۰- جهاز عروس- بنابراین- نوعی لباس بچه ۱۱- پول چین- پادشاه ستمگری که به دست داود نبی کشته شد- حرف انتخاب ۱۲- شکاف- ترک استخوان- مراسم- کشتی رزمنده ۱۳- بخیه درشت- ساقه برنج- برادر رستم- راز ۱۴- نوعی تفنگ لوله کوتاه قدیمی- پیامبر بنی‌اسراییل ۱۵- مکتشف اسپانیایی پرو

عمودی ۱- عمامه- ستاره پیشین بارسلونا و تیم ملی بلغارستان ۲- تشکر- جزیره زادگاه ناپلئون- روح ۳- انتها- شادمانی- جزیره- ویتامین جدولی ۴- مهار شتر- بزرگ‌ترین و سنگین‌ترین پرنده خانگی- لباس جراحان ۵- از شبکه‌های سیما- آشیانه مرغ- سیاره مریخ ۶- مسابقه موتورسواری- ضمیر اشاره- از ماه‌های میلادی ۷- بین‌المللی- نیا- قلب دوم- خشک مزاج ۸- خدای درویش- حالت مهره‌ای در شطرنج که اگر حرکت کند شاه کیش می‌شود- واحد سنجش چگالی شار مغناطیسی- عدد اول ۹- قلمه درخت- پسوند خوراک- حیوان باوفا- از خدایان هند که او را حافظ جهان می‌دانند ۱۰- واحد زلزله- تکرارش به معنای باد تند و شدید است- بلندی کوه ۱۱- شهری در چرخ خیاطی- تیم فوتبالی در ایتالیا- نجات‌دهنده ۱۲- وزیر خارجه اسبق آمریکا- ورزش اول صبح- شکاف و رخنه ۱۳- شهر برج طغرل- از ابزار بنایی- دریاچه‌ای در سوییس- مرغ می‌رود ۱۴- از خط‌ها- خرس آذری- دربند ۱۵- خودشیفتگی- نوراندک

حل جدول شماره ۱۸۸۷

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	س	و	س	ن	ی	■	م	ر	ی	ن	و	س	■	ا	و
۲	ک	ا	پ	ی	ت	ا	ل	ی	س	م	■	ا	ر	م	ه
۳	ن	ی	ر	و	■	ل	ا	م	■	ا	م	ت	ن	ا	ن
۴	ج	ر	د	■	ت	و	ت	ی	ا	■	ت	ر	و	م	ا
۵	ب	■	ه	و	ر	ا	■	ا	س	ا	ر	ا	■	ق	م
۶	ی	ف	■	ا	ش	ر	ف	■	ت	ر	ی	پ	و	ل	ی
۷	ن	ی	ا	م	ی	■	ا	ب	ی	د	ر	■	ا	ی	ز
۸	■	ن	س	ی	■	ب	ی	ا	ض	ی	■	س	ر	خ	■
۹	ب	ک	ا	■	د	و	ن	گ	ا	■	و	ر	د	ا	ن
۱۰	ا	ن	س	ت	ی	ت	و	■	ح	ر	ی	ق	■	ن	و
۱۱	ر	ش	■	ر	ا	ه	ر	و	■	م	ا	ت	م	■	ر
۱۲	ا	ت	ی	ا	ن	■	د	ا	د	ا	ر	■	ی	ا	س
۱۳	ب	ا	ر	و	ت	ی	■	د	ه	ر	■	ا	ت	م	ی
۱۴	ا	ی	ا	ر	■	ر	ی	ا	ل	م	ا	د	ر	ی	د
۱۵	س	ن	■	س	ر	د	ا	ر	ی	■	ا	م	ا	د	ه